

پای بندی ۶۰ تا ۷۰ درصدی شهروندان مشهدی به شیوه نامه های بهداشتی



عکس: احمد حسینی / شهرار

تکتم جاوید

t.javid@shahraranews.ir

✉

در یک سال گذشته، گذرمان به مراکز زیادی همچون بازارها، مطب‌های پزشکان، ادارات و بیمارستان‌ها افتاد. برخی مکان‌ها پروتکل‌های بهداشتی را به خوبی رعایت می‌کردند و برخی از متصدیان و مراجعان هم انگار هنوز متوجه وجود کرونا نشده بودند. باوجوداین علی‌اصغر حسینی، مدیر سلامت محیط و کار معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، که به احتمال زیاد با تجربه بازدیدهایش سخن می‌گوید، معتقد است: وضعیت رعایت پروتکل‌ها بین همشه‌ریان ما در مجموعه دانشگاه علوم پزشکی مشهد، میانگین از ۶۰ تا ۷۰ درصد است. مهم‌ترین پایه همه رعایت‌ها نیز به مراقبت‌های مردم برمی‌گردد.

تیم‌های نظارتی معاونت بهداشتی دانشگاه بر نحوه رعایت پروتکل‌ها نیز نظارت می‌کنند. وی ادامه می‌دهد: در بازدیدهایمان برای کنترل بهداشت محیط، بر نحوه اجرای پروتکل‌های بهداشتی هم نظارت می‌شود که ادارات و سازمان‌ها هم در این دسته قرار دارند. بازم تأکید می‌کنیم که تنها راه مقابله با ویروس کرونا رعایت دقیق‌تر پروتکل‌های بهداشتی، استفاده از ماسک، رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی و حضور پیدا نکردن در تجمعات و دورهمی‌هاست.

این روزها که زمان خرید کردن‌های نوروزی است، می‌توان نحوه رعایت پروتکل‌های بهداشتی را به‌آسانی مشاهده کرد. حسینی درباره ماسک‌زدن در فضای بازارهای باز و پاساژها می‌گوید: حقیقت این است که به‌محض خروج از منزل باید ماسک بزئیم، چه فضای محلی باز باشد یا بسته که بهترین شکل حفاظت از خودمان و دیگران را رعایت کرده باشیم. اما از آنجا که در فضای باز تهویه بهتر صورت می‌گیرد، شاید عده‌ای به آن بی‌توجه باشند. درعین حال نکته مهم در فضای باز و بدون ماسک این است که فاصله اجتماعی را با دیگران رعایت کنید.

تیم‌های بازرسی و نظارت بر نحوه تهیه و توزیع مواد غذایی و اماکن عمومی مرکز بهداشت استان اگرچه هیچ‌مانی بیکار و تعطیل نیستند، از یک‌سال گذشته تاکنون در کنار بررسی‌های دیگر، معضل شیوع کرونا را هم پشت سر گذاشته‌اند و با انجام ۴۳۸ هزار و ۵۸۷بازدید در شهر، متخلفان را شناسایی کرده و به مراجع قضایی معرفی یا محل کسب‌های غیرمجاز یا غیربهداشتی را پلمب (مُهر و موم) کرده‌اند. مدیر سلامت محیط و کار معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد با اشاره به اینکه دستورالعمل کشوری کشیک نوروزی امسال هنوز ابلاغ نشده است، می‌گوید: باوجوداین برنامه کشیک نوروزی را طبق سال‌های قبل برنامه‌ریزی کردیم، به این دلیل که فروشگاه‌های عرضه محصولات غذایی مانند قنادی‌ها یا خشکبار خیلی زودتر از شب عید تولید خود را آغاز می‌کنند. به‌این‌ترتیب با نظارت بر کیفیت مواد اولیه، نحوه تولید و شرایط نگهداری مراکز غیرمجاز را شناسایی می‌کنیم. همچنین اماکن عمومی مانند فرودگاه، پایانه مسافری‌بری و راه‌آن را که محل حضور افراد زیادی است، کنترل می‌کنیم.

تیم‌های بازرسی‌شان هر روز از ساعت ۸ تا ۲۰ پیوسته سرکشی می‌کنند و تیم‌های آماده‌باش ۲۴ساعته هم دارند. البته شماره تلفن کشوری ۱۹۰ هم منتظر دریافت شکایت‌ها و رسیدگی در مدت ۲۸ ساعت است.

نوع فعالیت	تعداد
معرفی مکان‌های متخلف به مراجع قضایی	۱۲۶۱۵ مورد
پلمب (اغلب مراکز تهیه و توزیع مواد غذایی)	۴۶۵۴ مورد
مواد غذایی معدوم‌شده	حدود ۲۴ تن
گندزدایی منزل بیمار بهیود یافته یا فوت‌شده	۱۵۴۵۸ مورد
بازدید مشترک با اتاق اصناف از ۱۹ تیر	۴۷۸۵۲ مورد
بازدید از مراکز تهیه و توزیع و اماکن عمومی از ۱۱ اسفند ۹۸ تا ۲۲ اسفند ۹۹	۴۳۸۵۸۷ مورد

آگاهی درباره اعتیاد در سطح مناسبی نیست

اعتیاد به انواع مواد مخدر، این روزها به گونه‌ای در بافتار اجتماعی و لایه‌های مختلف افشار رشد کرده است که گاهی با یک آمدوشد ساده در برخی باتوق‌های توزیع مواد مخدر، متوجه بزرگیو شدت بار این مصیبت می‌شوید و با گونه‌ای از گونه‌های آن مواجه خواهید شد. معضلی که جوانه‌های شکوفایی و رشد جامعه را آرام‌آرام در انزا و می‌جُود و خمودگی را بر تاروپود مردم مستولی می‌کند. شهر مشهد به‌عنوان دومین کلان‌شهر کشور نیز از این قاعده مستثنا نیست و در جای جای شهر، شاهد حضور و بروز این پدیده شوم هستیم، مضلی که بر معضلات بسیار دیگری مثل کارتن‌خوابی، طلاق، پرخاشگری، سرقت و... اثرگذار است و در بلندمدت، آثار منفی پایداری بر بافت اجتماعی محلات مشهد خواهد گذاشت؛ آن‌چنان که در گزارش‌های اجتماعی می‌خوانیم، مناطقی که به مراکز تولید و باراندازهای توزیع موادمخدر تبدیل شده‌اند، بیشتر درگیر چنین آسیب‌هایی هستند.

سخن گفتن از اعتیاد، معضلات و مسائلی که به بار روی دوش جامعه می‌افزاید، بسیار فراوان و گسترش یافته است، اما بر خلاف آنچه امروزه مردم جامعه متصور هستند، آگاهی از حوزه اعتیاد در سطح مناسبی قرار ندارد. ممکن است با مواد مخدر و عوارض مصرف بسیاری از مواد مخدر آشنا باشند، اما بسترهایی که موجب می‌شود انسان به دامان اعتیاد پناه ببرد، نقش خانواده‌ها و انواع شیوه‌های تربیتی در کاهش یا افزایش گرایش افراد به مصرف مواد مخدر و از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی افزایش تمایل افراد به این عارضه، اطلاع کمتری وجود دارد. شاید اگر به این سو حرکت کنیم، در همان مرحله مهم و حیاتی پیشگیری موفق ظاهر شویم و نیازی به هزینه کرد سالانه میلیارد‌هاتومان برای مبارزه با آسیب‌ها و عوارض آن نباشیم. بی‌توجهی به این بسترها و فراموش کردن نقششان است که مسیر مبارزه با مواد مخدر را پیچیده کرده است و آموزش‌ها را کم‌بازده. به نظر بنده ما باید به شناسایی این موارد و تمرکز بر آنان توجه داشته باشیم. برای مثال باید خانواده‌ها را آموزش دهیم که محیط خانه را به‌لحاظ روانی برای نوجوان و جوان خود امن نگه دارند. از تنبیه مستمر فرزندان و پرخاشگری مستمر والدین نسبت‌به یکدیگر و فرزندان جلوگیری شود. کودکان و نوجوانان را در فضای مصنوعی و منجمد و گلخانه‌ای تربیت نکنند و اجازه کسب تجربه‌های متفاوت در حوزه اجتماع را به آنان بدهند و... مادام که این شرایط مساعد نشود، بستر برای گرایش روزافزون افراد به موادمخدر باز است و ما درمسیر پر هزینه و فرساینده درمان و اقدام و کنترل اسیر؛ آن‌هم با کمترین میزان بازدهی.

شهرار

روزنامه شهرامید وزندگی

۲شنبه۲۵ اسفند ۱۳۹۹شماره ۴۴۴۲

۴۴SHAHARANNEWS.IR

جامعه

گم‌شدن کرونا پشت ذوق عید

روایتی از شلوغی بازارهای مشهد در آستانه نوروز کرونایی



عکس: احمد حسینی / شهرار

خرید با تدبیر کرونایی؟!‌

امیر یکی از فروشنده‌گان کیف و کفش بازار فردوسی است. تعریفش از خریدهای مردم برای شب عید ۱۴۰۰ این‌گونه است: از پارسال بهتر است. پارسال این موقع‌ها کرونا تا نه شیوع پیدا کرده بود و هیچ‌کس نمی‌دانست اوضاع چگونه است. من پارسال در بازار ابریشم قاسم‌آباد مغازه داشتم. تا مدتی بازارها نیمه‌باز بودند. بعد هم که باز شدند تا یکی دو ماه کسی جرئت بازار آمدن و خرید نداشت اما الان و بعد از یک‌سال اوضاع فرق کرده است. او ادامه می‌دهد: انگاری ترس مردم ریخته است. مردم حق دارند. من هم تا خرده‌ام، به‌خاطر اینکه بچه کوچک داریم به همسر می‌گفتم هر چیزی که می‌خواهی لازم‌ه به کرونا مبتلا شدم. سه هفته اول نان که می‌خریدم، نان داغ را دوباره گرم می‌کردیم تا کرونا از بین برود. اما این کرونا تمام نشد و باید زندگی کرد.

نقطه مشترک بازار شب عید میان خریداران و فروشنده‌گان، ماسکی است که به صورت دارند.

به گفته یکی از فروشنده‌های لباس مردانه، این روزها ماسک نیز به فهرست لوازم ضروری قبل از خروج خانه اضافه شده است.

او در ادامه به کم‌وکیف پروتکل‌های بهداشتی از اسفند پارسال تا امروز اشاره می‌کند. می‌گوید: پارسال نمی‌توانستم یک لحظه ماسک بزنم. آن‌قدر برای من سخت بود که فقط لحظه‌ای که مشتری می‌آمد، ماسک می‌زدم اما الان نگاه کنید، هر روز که مغازه می‌آیم تود ماسک روی هم می‌زنم. این هم به‌خاطر آن است که تیرماه به کرونا مبتلا شدم. سه هفته نمی‌توانستم حتی راه بروم و مرگ را به چشم دیدم. الان شبیه آدم‌های مارگزیده شدم و اگر روزی ماسک بزنم، نمی‌توانم سر کار بیایم.

ملیحه مادر دو دختر کوچک، نگین و نغمه، است. به قول خودش با تجهیزات کامل بهداشتی برای خرید به بازار آمده است؛ از ماسک‌های کودکانه طرح‌دار گرفته صورت دخترانش تا اسپری الکلی که مثل یک محافظ محکم میان دستانش نگه داشته است برای اینکه به گفته خودش هر چند دقیقه به دست دخترها اسپری الکل بزنسد. او برای حضورش در بازار با این شرایط سست دلیل دارد. می‌گوید: عید برای بچه‌ها یک‌جور دیگری است. دلخوشی بچه‌ها همین لباس و کفش نواست. من پارسال هیچ چیزی برای دخترانم نخریدم، اما امروز با خودم آن‌ها را آورده‌ام که حداقل بچه‌ها هم راهی بروند و لباس هم بپوشان بخرم.

لوکس و ظوروف پذیرایی می‌فرشد. هم فروشگاهش نسبت‌به دیگران خلوت‌تر است، هم به تعداد مشخصی مشتری، اجازه ورود به مغازه را می‌دهد؛ «همین تابستان خودم و خانواده‌ام کرونای سختی گرفتیم و تا چند ماه مغازم نام تعطیل بود. حالا به‌خاطر جبران آن‌همه ضرر مالی و اجاره مغازه مجبورم بیایم و خیلی از مشتری‌ها اصلا پروتکل‌ها را رعایت نمی‌کنند».

بیشتر خریدهای بازار گل را نمی‌توان ضدعفونی کرد. البته نشانی هم از ابزار ضدعفونی در هیچ‌جای بازار دیده نمی‌شود. تنها نشانه‌ان، دستگاهی است که کاربر پارکینگ کارت‌ها را داخل آن می‌گذارد. چند کرونا‌فروش حضوری را تعطیل کرده‌اند و مشتری‌ها را تلفنی و اینترنتی پاسخ می‌دهند. روزگار گل‌فروش‌ها با همه سختی و کساد‌اش امسال هم درحال گذر است و امید این دسته از کاسبان به سال آینده است.

ساعت ۱۰ است که به راسته‌بازار مانتوی اینار یکی بازارهای بزرگ محله طلاب می‌رسیم؛ بازاری که بخش عمده مغازه‌های آن را پوشاک زنانه به خود اختصاص داده است. پیاده‌روها چندان شلوغ نیست. به‌دلیل نوع پوشاک عرضه‌شده داخل بازار، بخش عمده رهگذران این راسته‌بازار را خانم‌ها به خود اختصاص داده‌اند.

بعضی از مغازه‌ها با چیدن سفره‌های کوچک و نمادین هفت‌سین، حال‌وهوای عید نوروز را مهمان ویت‌رین‌های فروشگاه‌های خود کرده‌اند.

بیشترین شلوغی مربوط به مغازه‌های شال و روسری و چند پاساژ مطرح مانتوست. در قسمت صندوق یکی از پاساژهای مانتو، محلول ضدعفونی گذاشته‌اند تا هر کدام از مشتری‌ان که کار خریدش تمام شد با ضدعفونی کردن دست‌ها خیال خودش

و همراهانش را از بابت کرونا آسوده کند. یکی از پاساژهای چندطبقه مانتو هم برای جلوگیری از آلودگی لباس‌ها از چند فروشنده بهره گرفته است تا فروشنده‌ها درصورت تمایل به خرید، مانتوی موردنظر را در اختیار خریدار قراردهند. سمانه یکی از بانوانی است که برای خرید همراه مادر و خواهرش آمده است. آن‌طور که می‌گوید، خرید نوروز امسال‌شان را به خرید یک مانتو محدود کرده‌اند. دلیلی که می‌آورد محدودبودن دید و بازدیدهای عید نوروز است. او می‌گوید: امسال نهایتاً فقط روز اول به دیدن پدر و مادر خودم و خانواده همسر می‌رویم. پارسال عید هم همین دو جارا رفتیم. به‌همین دلیل تصمیم گرفتم امسال فقط مانتو بخرم؛ البته یکی مانتویی با قیمت مناسب پیداکنم (با خنده).

بازار فردوسی مشهد از آن دست بازارهایی است که جای خود را درمیان مشهدی‌ها باز کرده است، تاجایی که حالا یکی از گزینه‌های مشهدی‌ها برای خرید است. آفتاب درخشان می‌تابد اما سوزوسرمای مردم فرصتی برای بیرون‌ماندن نمی‌گذارد. هر دو روز یک‌بار، خود را به داخل دو پاساژ فردوسی می‌رسانند. حضور زنان مقابل هر چند مغازه چند زن ایستاده‌اند. البته فروشندگان هم معتقدند شلوغی این روزهای بازار فردوسی با شلوغی و جمعیتی که دوسال قبل برای شب عید خرید می‌کردند خیلی فاصله دارد. یکی از فروشندگان لباس مردانه با یک جمله توصیفی، جمعیتی که برای شب عید خرید می‌کردند را با آهی این‌طور وصف می‌کند: دیگه گذشت اون زمون.

خیزکرونا در خریدهای نوروزی

تجاری «آسمان»، لباس‌فروشی دارد. به جای خالی ماسک روی صورتش اشاره می‌کنیم و از چراییی آن می‌پرسیم. کاشف به عمل می‌آید که جزو مخالفان استفاده از ماسک است. می‌گوید قبلا کرونا گرفته است و شاید خبرهای ضدونقیض درباره ایمنی دربرابر ابتلای مجدد آن، در بی‌خیالی کنونی‌اش تأثیر داشته است.

برای توضیح رفتارش از «تقسیم می‌گیرد، اکسیژن خونم پایین می‌آید و سردرد می‌شوم» شروع می‌کند تا می‌رسد به استدلال‌هایی که مشابهش را از بدون ماسک‌ها زیاد می‌شنویم؛ «اگر ماسک، نخی باشد یک چیزی؛ غیر

از آن اصلا خوب نیست.» به‌مراتب بیش از خریداران است. در سکوت حاکم، جای خالی کودکانی که مخاطب اصلی کالاهای این بازار می‌شمار می‌روند، بیشتر به چشم می‌آید؛ عزیزدانه‌های خانواده‌ها که پدرها و مادرهای ایرانی براساس قانونی نانوشته، تأمین نیازهایشان را بر نیازهای خود ارجح می‌دانند. از میان لیخندهای ماسه‌سید مائکان‌ها، طبقه همکف، فروشنده‌هایی که به قول خودشان مگس می‌پراندند و «فیرمایید داخل» گفتن‌هایشان عبور می‌کنیم و به طبقه ۱+ می‌رویم. می‌توبیات، «فروش فوق‌العاده»

و عبارت‌هایی از این دست، در گوشه‌وکنار بازار و حتی روی پله‌ها نوشته شده است تا مشتری‌هایی را که نیستند، به خرید دعوت کند. سواى نزدیک‌بودن این بازارها به حرم مطهر و زائرانی که از شلوغی شهر پیداست که از راه رسیده‌اند، سوت‌وکوبودن بازار را به چه حسایی بگذاریم؟ به حساب مراعات‌های کرونایی، دید و بازدیدهایی که درست نمی‌دانیم برقرار است یا تعطیل یا جیب‌هایی که تورم، خالی‌شان کرده است؟ زرها که پای صندوق یکی از فروشگاه‌ها ایستاده است، گزینه دوم را تیک می‌زند و می‌گوید: اوضاع بازار، ربطی به مراعات کرونا ندارد. همین آدم‌هایی که در بازار می‌بینید، واقعا قصد خرید دارند اما بعضی‌هایشان دست خالی برمی‌گردند، چون خرید برایشان سخت شده است. یک بلوز و شورت ساده بچگانه که نوروز پارسال ۵هزار تومان قیمت داشت، امسال با همان کیفیت، قیمتش دوبرابر شده است. فروشنده‌های دیگر هم کمابیش با نظر او موافق‌اند. مثل حسین که در مجتمع

حس واقعی لذت نوروز و آمدن بهار اینجاست. درحالی که یک‌سال گذشته بعضی افراد حتی برای عزیزترین کسان خود و در ضروری‌ترین موارد، از ترس انتقال کرونا، یک شاخه گل هم نخریدند، مشتری‌های «بازار فتح‌آباد» فارغ از هرنگرانی لایه‌لای طبق‌های گل، گلدان‌های طبیعی و مصنوعی، ردیف سبزه‌های سفره هفت‌سین و تنگ‌های ماهی می‌چرخند و خرید می‌کنند.

بازار گل را باید در روز تماشا کرد که زیبایی گل‌ها و درخشش ماهی قرمز زیر نور خورشید نمایان باشد. ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ شاید برای خیلی از کاسبی‌ها اول کار و دست‌اف باشد اما برای فروشندگان بازار گل، حضور مشتری طبیعی است. پارکینگ بازار تا یک‌سوم تکمیل است و مشتری‌ها بین آن‌همه شلوغی مقابل مغازه‌ها راه خود و جنس خود را پیدا می‌کنند. بعضی از فروشنده‌ها هنوز درحال نظافت جلو مغازه از تهمانه برف روز گذشته هستند.

رونق بازار گل؛ با ماسک وبدون ماسک

تنگ شیشه‌ای می‌ایستد.

بعضی از فروشگاه‌ها هم اجناس فراوان‌تری دارند هم متنوع‌تر و همین باعث می‌شود مشتریان فراوان‌تری را که بیشترشان خانم‌ها هستند، جذب کنند. مشتری‌ان اما توجهی به فاصله‌گذاری اجتماعی ندارند. خودشان را از بین قفسه‌ها و تزیینات چیده‌شده وسط مغازه جابه‌جا می‌کنند و گاهی به هم می‌خورند. خانمی که در یک رفت‌وبرگشت دوباره به دیگری برخورد کرد، تصور می‌کند این برخوردها چندان خطرناک نیست. مژده ادامه می‌دهد: درهای مغازه که باز است و ما هم ماسک داریم، فکر نمی‌کنم مشکلی پیش بیاید؛ برای من که تا حالا پیش نیامده است. امسال، چهارمین بار است که از بازار گل خرید می‌کنم. محسن، فروشنده دیگری است که اجناس

انگاری ترس مردم ریخته است.

حق دارند. من هم تا خرده‌ام، به‌خاطر اینکه بچه کوچک داریم به همسر می‌گفتم هر چیزی که می‌خواهی لازم‌داری بگو تا من بخرم. حتی روزهای اول نان که می‌خریدم، نان داغ را دوباره گرم می‌کردیم تا کرونا از بین رفت. اما این کرونا تمام نشد و باید زندگی کرد